



شرط لازم برای پیمودن مراتب سلوک از زبان علامه طهرانی

مرحوم علامه حسینی طهرانی از عارفان طریق الهی و شاگرد علامه طباطبایی (ره) معتقد است: نخستین شرط لازم سلوک، پرهیز از زیاده روی در خوراک و لذات مادی است. دوم ریاضت روحی و سوم اجتناب از صحبت های معمولی و بی جاست.

مرحوم علامه حسینی طهرانی از عارفان طریق الهی و شاگرد علامه طباطبایی (ره) معتقد است: نخستین شرط لازم سلوک، پرهیز از زیاده روی در خوراک و لذات مادی است. دوم ریاضت روحی و سوم اجتناب از صحبت های معمولی و بی جاست.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه فارس، مرحوم علامه آیت الله سید محمدحسین حسینی طهرانی (1305 تهران - 1374 مشهد) از جمله نوادر اولیای الهی و عباد صالحین است که مطالب متعالی مکتب عرفان را در قالب وعظ و کتابت را در قالب دو کتاب به نام های «رساله سیر و سلوک منسوب به بحرالعلوم» و «رساله لب اللباب در سیر و سلوک اولی الالباب» در اختیار مشتاقان راه خدا قرار داده است.

این استاد فرزانه پس از طی مراتب سلوک در خدمت استاد اعظم و عارف واصل علامه طباطبایی و سپس مرحوم عارف بالله حاج شیخ محمد جواد انصاری همدانی، در آخر رحل اقامت و اعتکاف را در عتبه ملکوتیه انسان العین و عین الانسان حضرت حاج سید هاشم حداد افکند و به سر منزل مقصود رسید و در حریم معبود وفود کرد.

مقام معظم رهبری پس از رحلت این عالم فرزانه در پیام تسلیتی عنوان کردند: ایشان از جمله فرزندان معدودی بودند که مراتب برجسته علمی را با درجات والای معنویّت و سلوک توأماً دارا بودند، و در کنار فقاقت فتنی و اجتهادی، به فقه الله الاکبر نیز که از مقوله شهود و محصول تجربه حسّی و مجاهدت معنوی است نیز نائل گشته بودند.

از این پس مطالبی از زبان علامه حسینی طهرانی با استناد به کتاب «آیین رستگاری» برای علاقه مندان درج می شود.

*** پیمودن راه خدا با گفتار و کردار**

آیت الله حسینی طهرانی معتقد است: پیمودن راه خدا تنها به حرف و گفتار نیست؛ بلکه توأماً با عمل است. هر مقداری که انسان عمل کند ناجح و صاعد است و به هر مقداری که عمل نکند عقب افتاده است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در فتح مکه بالای کوه صفا آمد، وقتی که جمیع بنی عبدالمطلب در حول و حوش آن حضرت جمع بودند و اجتماع عظیمی تشکیل شد، بر کفار فائق آمدند و مشرکین مطرود، منفور، شکست خورده، ذلیل و طُلُفَاء حساب شدند، قدرت، عظمت، عزت و شوکت انحصار بر آن حضرت و خاندان آن حضرت و بنی هاشم و بنی عبدالمطلب رسید، در یک خطبه خیلی مختصر که مفادش را عرض می کنم، فرمودند: ای بنی عبدالمطلب بدانید! حالا که اسلام غلبه کرده و عزت با اسلام است و خداوند ما را پیروزی داده و کلمه حق را بر کلمه باطل غلبه داده، خیال نکنید که به واسطه انتسابی که شما به من دارید کار تمام شده است، و به قول ما خَرَتان از پل گذشته، و هر کاری و عملی انجام بدهید، به واسطه انتساب با پیغمبر آخرالزمان، قابل بخشش و اغماض است؛ یا اینکه صحه می خورد و پسندیده است؛ ابداً این طور نیست!

هرکسی در گرو عمل خود است، من در گرو عمل خودم هستم و شما هم در گرو عمل خودتان! «إِنَّ لِي عَمَلِي و لَكُمْ عَمَلُكُمْ» اگر من خودم هم عصیان خدا را به جا بیاورم ساقط می شوم و در درّه هلاکت سقوط می کنم.

*** شرح و بیان برخی از دستورات لازم سلوکی**

علامه طهرانی شرح برخی از دستورات لازم سلوکی را چنین بیان می کند: نخست: پرهیز از زیاده روی در غذا، خوراک و لذات مادی است؛ سالک نباید غذا زیاد بخورد، نباید پُر بخورد و تا گرسنه نشده غذا بخورد.

دوم: از همه اینها مهمتر ریاضت روحی است که انسان نفس و جان خودش را باید در دست خویش داشته باشد و گوش مالی بدهد، و او را در هر صراطی وارد نکند!

سوم: سکوت کردن و حرف بی جا نزدن و زیاد صحبت نکردن، بلکه از صحبت های عادی اجتناب کردن، برای سالک جزو دستورات حتمی است.

* مراقبه شدید آیت الله محمد تقی بهجت(ره)

ایشان در این زمینه از مراقبه شدید آیت الله بهجت(ره) چنین حکایت می کند: آیت الله حاج شیخ محمد تقی بهجت(ره) از شاگردان مرحوم قاضی بودند و در همان زمان جوانی و صباوت که در مدرسه «سید» حجره داشتند - و ظاهراً هفت سال هم در همان مدرسه بودند - به قدری در مراقبت و سکوت رعایت داشتند که طلبه ای در مدرسه ایشان را نمی دید! آقای حاج شیخ عباس قوچانی(ره) می فرمود: ما در مدرسه «سید» با ایشان حجره داشتیم (البته دو حجره)، و وقتی که آقا شیخ محمد تقی، خدمت مرحوم قاضی - رحمة الله علیه - رسید و دستورات گرفت، ایشان دیگر همیشه وقتی که می خواست از مدرسه برود برای درس و برگردد، عبا را به سر می کشید که در راه، کسی اصلاً با او برخورد و صحبت نکند و او را به سلام و علیک مشغول نکند.

و بعد می فرمودند: به قدری ایشان در این مراقبه شدید بود که وقتی می خواست به مدرسه بیاید و به حجره اش برود، از آن دری که دالان پشت مدرسه به طرف اتاق بالا و فوقانی پله داشت، از آنجا می رفت نه از توی صحن مدرسه، که به کسی برخورد نکند. و اینها هم مال یکی و دو روز نیست، مال هفت سال تمام است، ایشان این کار را می کرد! و خُب نتیجه اش را هم خودشان می بردند.

* سکوت یکی از دستورات اساسی این راه است

علامه حسینی طهرانی تاکید می کند: سکوت یکی از دستورات اساسی این راه است. اگر انسان سکوت نکند مطلقاً تمام دارائی های نفس و مکتسبات نفس از بین می رود. نفس زحمتی کشیده ذکری می گوید، عبادتی دارد، من باب مثال شبی تا به صبح احیاء داشته، خب این نفس کسب می کند؛ اگر سکوت کرد آن برایش محفوظ می ماند؛ و آرام و با سکینه، دنبال مکتسبات جدیدی می رود؛ و اما اگر سکوت نکرد تمام نفسش به هم می خورد...

این استاد ارجمند چهارمین مسئله را حضور قلب در نماز می داند که واجب و لازم است و می افزاید: اگر انسان حضور قلب نداشته باشد به آن مقداری که حضور قلب ندارد نمازش بالا نمی رود. روایت داریم: ملائکه نماز انسان را به مقداری که در آن حضور قلب دارد بالا می برند، آن مقداری که حضور قلب ندارد بالا نمی برند...

* شرط اصلی در تأثیر اعمال مراقبه است

علامه حسینی طهرانی در توضیح شرط اصلی در تأثیر اعمال چنین می آورد: من یک روز از حضرت علامه طباطبایی سؤال کردم: مثلاً فلان عمل در چه صورت مؤثر است؟ ایشان فرمودند: با مراقبه! مراقبه! بعد خودشان تفسیر کردند که می دانید مراقبه معنایش چیست؟ مراقبه معنایش این است:

صمت و جوع و سهر و عزلت و ذکری به دوام/ ناتمامان جهان را کند این پنج تمام